

واکاوی مفهوم و جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت

مهدی صادقی شاهدانی^۱، حسین محسنی^۲

چکیده

طراحی و تدوین جایگاه نظام مالی اسلامی از منظر مبانی و فرآیندهای عملیاتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به منزله یک گام جهشی و رو به جلو در مسیر تعالی کشور به شمار می‌رود. علم مالی اسلامی را می‌توان به عنوان مدل‌های اجرایی اقتصاد اسلامی در سه حوزه کارکردی ابزارها، بازارها و نهادهای مالی اسلامی تعریف کرد. تبیین و پیاده‌سازی صحیح و دقیق نظام مالی اسلامی در کشور، متضمن بررسی برخی محورهای بنیادین اقتصادی و مالی است که در نهایت منجر به پیشرفت پایدار در نظام اقتصادی خواهد شد. مدل‌های اقتصادی و مالی اسلامی بنا به قول شهید محمد باقر صدر (ره) در مرحله تکوین قرار دارند و این در حالی است که مبانی و چارچوب تدوین یافته مکتب (زیربنا) و این مدل‌ها (روبنا) نظام اقتصاد اسلامی هستند. با عنایت به ماهیت اکتشافی ابعاد مالی اسلامی در وهله اول باید جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ابعاد اکتشافی طراحی و تدوین شود. این مقاله فراهم کننده تأملی در چیستی جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و تلاش می‌کند تا یک نقشه مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و الگوهای بومی در این حوزه مهم ارائه دهد.

واژگان کلیدی: نظام مالی اسلامی، اقتصاد اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اندیشه اسلامی

^۱ دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

Sadeghi@isu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه علامه طباطبایی

Mohseni911@atu.ac.ir

۱- مقدمه و عناوین بخش‌ها

وجود ساختارهای مالی کارآمد یکی از ابعاد پیشرفت در تحقق ایرانی مستقل و آباد است که با مشارکت و پشتوانه دولت و ملت ایران می‌تواند محقق شود. نظام مالی اسلامی کارآمد یکی از ابعاد اساسی مورد نیاز برای پیشرفت در سایر شئون نظیر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در نهایت می‌تواند نهال طیبه انقلاب اسلامی را تکامل دهد تا در سایه سار تنومند آن ملت شریف ایران سعادت‌مند شوند و سرمشقی برای تمامی ملل آزاده جهان باشد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه حرکت ابعاد مختلف جامعه برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند و با عنایت به نقش محوری معنویت در این الگو، بایستی در حوزه مالی نیز (از منظر مبانی، کارکرد و محصولات) مبتنی بر معنویت و تعبد الهی باشد. تدوین الگوی نظام مالی اسلامی براساس مکتب فلسفی اسلام و اقتصاد اسلامی منجر به پیاده‌سازی توحید عملی و گسترش معنویت در جامعه می‌شود.

بازتولید حیات طیبه اسلامی هدف غایی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت (در کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) است. سؤال عمده پژوهش حاضر چگونگی بازتعریف نظام مالی اسلامی براساس این هدف است. پژوهش حاضر تبیین جایگاه و چگونگی دستیابی به نظام مالی کارآمد را به عنوان هدف کلی خود قرار داده و برای پاسخ به آن به تحلیل پارادایم‌ها و زوایای مرتبط با موضوع می‌پردازد.

دین مبین اسلام، ارائه‌کننده برنامه جامع سعادت بشری است. نگرش کلی اسلام به اقتصاد و بویژه جایگاه نظام مالی از منظر اساس و سازوکارهای اجرایی به صورت رویکردی فراگیر است. علم مالی اسلامی را می‌توان در حقیقت مدل‌های اجرایی اقتصاد اسلامی در بستر جوامع مسلمان دانست. تبیین و پیاده‌سازی صحیح و دقیق نظام مالی اسلامی در کشور، متضمن بررسی برخی محورهای بنیادین اقتصادی و مالی است که در نهایت منجر به پیشرفت پایدار در نظام اقتصادی خواهد شد. نگرش نظام یافته به آیات قرآن، روایات و احادیث در حوزه اقتصادی و مالی و سیر محتوایی در کنار توجه به زیرساخت‌های بومی به الگوسازی پیشرفت در جوامع مسلمان خواهد انجامید.

طراحی نقشه پیشرفت کشور تصمیمی حکیمانه از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبتنی بر عبرت‌ها و تجارب ارزشمند ملی و بین‌المللی است که یکی از نیازهای اولویت‌دار کشور به شمار می‌رود. الگوهای پیشرفت نظام‌های کمونیستی، سوسیالیستی و لیبرال نمی‌توانند به عنوان الگوی پیشرفت اقتصادی نظام ج.ا.ا بکار روند. تجربه دهه‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که حصول به پیشرفت اقتصادی پایدار با تقلید محض از الگوهای غربی و یا کشورهای توسعه یافته برای جوامع مسلمان امکان‌پذیر نیست. بنابراین متناسب با فرهنگ بومی و شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه باید مدل جدیدی طراحی نمود. این مدل بایستی دربردارنده اهداف کلان اقتصادی اسلام باشد و در قالب کارکردهای مالی بتواند فرد و جامعه را به سمت سعادت حقیقی رهنمون سازد.

نظام مالی را می‌توان به عنوان سازوکار اجرایی اقتصاد یک کشور در سه قالب اصلی تحت عنوان بازار سرمایه، پول و پوشش ریسک (بیمه) طبقه‌بندی کرد. در این نظام، سازگاری انگیزه‌های اقتصادی با دستورات اسلامی در بازارهای مالی در می‌آمیزد و فرآیندهای اقتصادی و سازوکارهای مالی جامعه را بوسیله ابزارهای مطابق با شریعت و نهادهای مالی مرتبط با این نظام تأمین می‌نماید. نظام مالی اسلامی، شبکه‌ای از ابزارهای مالی، بازارهای مالی و نهادهای مالی است که چارچوب عملی انتقال وجوه را میان خانوارها، بنگاه‌ها و دولت براساس اصول اسلامی شکل می‌دهد و زمینه را برای نیل به پیشرفت اقتصادی فراهم می‌کند.

۲- اصول اساسی نظام مالی اسلامی

نظام مالی اسلامی در واقع به آن دسته از خدمات، عملیات و معاملات بازارهای مالی اطلاق می‌شود که با اصول، رویه و قوانین اسلامی مطابقت دارند. حقوق و قوانین اسلامی شریعت نام دارد (صالح آبادی، ۱۳۸۵) که مبنای تمامی جنبه‌های عملکردی یک مسلمان بر سه بخش عبادات، تعاملات و معاملات است. بنابراین نظام مالی اسلامی برگرفته از اسلام و منابع اصیل آن است. اصول اخلاقی در اسلام تأکید بر روابط انسانی با خالق و صحت روابط انسانی بایکدیگر دارند. پنج اصل اساسی راهبری در مالی اسلامی به شرح زیر است:

۲-۱- تعاون

تعاون در کارهای نیک یک فرمان الهی است و پیامبر اسلام(ص) تعاون را در بین مسلمانان به عنوان یکی از بنیان‌های جامعه اسلامی در همه امور اعم از عبادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد تاکید قرار می‌دهد. خداوند در سوره مائده آیه ۲، مؤمنان را به تعاون در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر امر می‌نماید و آنها را از گناه و دشمنی باز می‌دارد که وجود تراکنش‌های مالی ربوی مصداق دشمنی(با خداوند و دیگر مؤمنان) و انجام تبادلات غرری و حرام نمونه‌ای از گناه و ظلم بر دیگر افراد یک جامعه است. نظام مالی اسلامی تجمیع کننده کارآمد سرمایه اقتصادی و تخصص حرفه‌ای در جامعه است. فراهم‌سازی منابع مالی مورد نیاز برای کسب و کارهای مختلف و تنظیم روابط عادلانه میان عناصر تشکیل دهنده از ویژگی‌های بارز نظام مالی مبتنی بر دستورات اسلام است.

۲-۲- شفافیت

یکی از تفاوت‌های بارز نظام مالی اسلامی با نظام مالی متعارف در جهان کنونی مقوله شفافیتی است که در این نظام وجود دارد. وجود ابزارهای مبتنی بر مشارکت، مبادله، اجاره و قرض الحسنه با سازوکارهای اجرایی تبلور یافته از دستورات اسلام منجر به شفافیت مالی در این نظام خواهد شد. خداوند در قرآن کریم آیه ۲۸۲ سوره بقره، مؤمنان را به ثبت و ضبط رویدادهای مالی یا به عبارت دیگر شفافیت مالی امر نموده و این شیوه را استوارتر معرفی می‌کند. نظام مالی اسلامی دربردارنده شفافیت مالی در جامعه است. شفافیت مالی منجر به جلوگیری از بروز تخلفات مالی در سطوح مختلف اقتصادی و مصادیق متعدد معاملات غرری در جامعه می‌شود.

۲-۳- مسئولیت

مسئولیت از دیگر اصول اساسی نظام مالی اسلامی است. مسئولیت نشانگر وظایف بخش‌های مختلف اقتصادی و مالی در قبال یکدیگر است. مسئولیت را می‌توان در ابزارهای مالی حاکم بر روابط میان داین و مدیون در قرض الحسنه، روابط میان مدیران و مالکان در ابزارهای مالکیتی، سرمایه‌گذاران با سرمایه‌پذیران در عقود شراکتی، روابط میان مالک و مستأجر در عقود اجاره، روابط میان خریدار و فروشنده در عقود مبادله‌ای مشاهده نمود. خداوند در قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۳۴، سوره انفال آیه ۲۷ و نساء آیه ۵۸ مسلمانان را به وفای به عهد امر می‌کند و آنها را در قبال امانات از خیانت انذار می‌دهد. در واقع یکی از مؤلفه‌های تمایز نظام مالی اسلامی با ربوی در تعریف مسئولیت‌های متعدد میان طرفین

قرارداد است درحالی‌که در نظام‌های متعارف تمرکز صرفاً بر مسئولیت قرض‌گیرنده از قرض‌دهنده از حیث پرداخت اصل و بهره است.

۲-۴- ایفای تعهد

تعهد عبارت است از توافقی که بین طرفین برای انجام موضوع آن یا عدم انجام آن صورت گرفته باشد و براساس این توافق، متعهد درخصوص ایفاء یا عدم ایفای آن ملزم و مکلف است و هرگاه خلاف توافق عمل کند، مسئول است. پایبندی به تعهدات و توافقات مالی یکی دیگر از اصول اساسی نظام مالی به شمار می‌رود.

خداوند در قرآن کریم سوره نحل، آیه ۹۱ و سوره مائده، آیه ۱ مسلمانان را به وفای به عهد می‌خواند. پایبندی به این اصول در حوزه مالی موجب برطرف‌شدن مشکلات اساسی نظام پولی در حوزه نکول تعهدات و عدم ایفای وظایف در قراردادهای و بازارهای مختلف می‌شود.

۲-۵- انصاف

انصاف یکی از وجوه تمایز نظام مالی اسلامی است که نقش محوری در پیاده‌سازی عدالت و در نهایت پیشرفت پایدار در جامعه دارد. در واقع انصاف را می‌توان ترجمان دیگری از عدل و روحیه برداری عنوان نمود. مصادیق انصاف در مالی اسلامی متعددند که رعایت عدالت در همکاری‌ها و قراردادهای کسب‌وکار، احترام به حقوق دیگران، ایفای کامل تعهدات و برخورد توأم با رأفت عقلایی با اشخاص تحت فشار را می‌توان نمونه‌هایی از انصاف برشمرد.

قرآن کریم در سوره نحل آیه ۹۰، به شکل فراگیر مسلمانان را به رعایت عدل و انصاف در اعمال سفارش می‌کند. تاریخ تشیع به حکومت منصفانه و عدالت‌مند حضرت علی (ع) به خود می‌بالد که در نامه‌های ۵۱ و ۵۸ ایشان متجلی است.

۳- شاخصه‌های تمایز نظام مالی اسلامی با نظام متعارف

نظام مالی اسلامی در برخی اهداف نظیر بکارگیری وجوه مازاد در اقتصاد برای سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه، تسهیل تجارت، ارائه خدمات مالی و فراهم آوردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری با نظام مالی رایج دارای شباهت‌هایی است، اگرچه از منظر فلسفی، اخلاقی و کارکردی با یکدیگر متفاوتند. مبنای فلسفی و اخلاقی نظام مالی متعارف

را الگوهای سرمایه‌داری سکولار تشکیل می‌دهند درحالیکه نظام مالی اسلامی مبتنی بر فلسفه و اخلاق اسلامی پایه‌گذاری شده است و بر روی دستورات شرعی تأکید خاصی دارد.

۱-۳ انگیزه‌های مبتنی بر سعادت

هدف نهایی نظام اسلامی همانا سعادت فرد و جامعه مطابق با جهان‌بینی اسلامی است. در نظام مالی متعارف، اصالت لذت به عنوان محرکه فعالیت‌های مالی است که این امر می‌تواند بوسیله بیشترین مصرف یا کسب سود نمود یابد. بنابراین هدف مهم در نظام مالی اسلامی برآوردن نیازهای اقتصادی اشخاص به‌گونه‌ای است که آنان را به سمت سعادت حقیقی رهنمون سازد.

۲-۳ گرایش به تراکنش‌های مولد

نظام مالی اسلامی بسترساز تحقق امنیت مالی به ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری است تا موجب اطمینان نیروهای مولد و سرمایه‌گذار در عرصه تولید و کار و تلاش اقتصادی شود. نظام مالی اسلام با تبیین دیدگاه اطمینان بخش به دنبال ثبات در بازارهای مالی و اقتصادی است.

۳-۳ تحقق عملی عدالت

پایبندی به هنجارهای اسلامی در حوزه تجارت شامل اکل مال به باطل، ربا، غرر، ضرر، میسر (قماربازی) را می‌توان به عنوان مهمترین ویژگی‌های این نظام دانست که با هدف فراهم سازی محیط اقتصادی مبتنی بر شفافیت، تعاون، مسئولیت، ایفای تعهد و انصاف توسط شرع مقدس وضع شده‌اند تا روابط میان طرفین را مبتنی بر عدالت شکل دهند.

۴- اهداف نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اهداف نظام مالی اسلامی را می‌توان با بررسی مفهوم سعادت حقیقی در حوزه فردی و اجتماعی مسلمانان از طریق کتاب و سنت استنباط کرد. هدف نهایی نظام مالی اسلامی حصول به سعادت دنیوی- اخروی در بعد فردی و اجتماعی است که این مهم بوسیله ابزارهای اسلامی، بازارهای اسلامی و نهادهای مالی اسلامی شاغل در حوزه‌های کارکردی مالی اسلامی تحقق می‌یابد. در ادامه به شش مورد از مهمترین اهداف نظام مالی اسلامی اشاره می‌شود.

۱-۴ عدالت اقتصادی

توسعه عدالت اقتصادی به حالتی اطلاق می‌شود که هرکس در جامعه به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه (به اقتضای حکمت خداوند و انصاف) دست یابد. بدین معنی که خداوند به دلیل آنکه در بالاترین مرتبه از حکمت و علم است، این حقوق را به گونه‌ای توزیع می‌کند که مورد پذیرش عقل سلیم است. در عین حال حاکمان اقتصادی اسلامی باید به گونه‌ای شرایط را فراهم سازند که همه افراد از سطح متعادل زندگی برخوردار باشند، اختلاف‌های درآمدی ناشی از تبعیض‌های اجتماعی نباشد، ثروتمندان مقرری‌های شرعی، قانونی و اجتماعی خود را بپردازند و به عنوان یک اصل در جامعه اختلاف درآمد، ناشی از متقتضای عدالت بدلیل تفاوت در مهارت، تلاش و علم باشد. رعایت حقوق متقابل بین حاکمیت و مردم، زمینه‌ساز عدالت ایجاد عدالت اقتصادی میان آنهاست. احترام به حقوق ملت و دولت در ساحت روابط اجتماعی باید تنظیم و اجرایی شود تا عدالت اقتصادی شکل گیرد که امام علی (ع) در خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه بدان اشاره می‌فرماید: «پس چون رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را به جای آورد، حق میان آنان بزرگ مقدار بشود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا قرار گیرد».

۴-۲- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به معنای مصون بودن فعالیت‌های اقتصادی و از جمله سرمایه و سرمایه‌گذاری از هرگونه تعرض ناصواب و مغایر قانون، عدالت و اصول پذیرفته شده و تثبیت شده در فعالیت‌های تجاری است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸). امنیت اقتصادی یکی از اهداف نظام اقتصادی است که منزله ثبات و عدم خطر (ریسک) در فعالیت‌های اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف و در سه بخش دولتی و خصوصی و اقتصاد بدون سود و در ابعاد داخلی و بین‌المللی است (میرمعزی، ۱۳۸۸). امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه یافتگی دو بعد امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد حائز اهمیت است. امنیت سرمایه‌گذاری به منزله ایجاد چارچوب نهادینه‌ای از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران فراهم کرده و امنیت جانی-مالی افراد را تضمین می‌کند. از طرف دیگر امنیت اشتغال و درآمد به معنای طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه است. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۲۳ سوره حشر

می‌فرماید: مؤمن که یکی از اسماء حسناى الهی است، کسی است که به تو امنیت دهد و تو را در امان خود حفظ نماید و این نگاه با رویکرد به امنیت به معنای گسترده است. اسلام با تبیین دیدگاه اطمینان بخش در زمینه امنیت اقتصادی به دنبال ثبات در بازارهای مالی و اقتصادی است. بنابراین هر فردی که با توجه به معیارها و ضوابط شرعی و در چارچوب مقررات اسلامی سرمایه‌ای را به دست آورد، از نظر قرآن دارای مصونیت‌های مختلف به ویژه مصونیت اقتصادی است.

۳-۴- استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی به حالتی اطلاق می‌شود که یک کشور بتواند منافع اقتصادی خود را آنگونه که خود تشخیص می‌دهد، تعقیب کند (میرمعزی، ۱۳۸۸). لازمه استقلال اقتصادی، برخورداری از زمینه اقتصاد رقابتی، کارا و مقتدر است. گسترش اقتدار اقتصادی در تمامی بخش‌ها موجب مواجهه نیرومند در قبال مستکبران و استعمارگران خواهد شد. از این رو خداوند در سوره انفال، آیه ۶۰ به پیامبر دستور می‌دهد که نیرو و تجهیزات نظامی بایستی به قدری تقویت شوند که امکان مقابله با دشمن به طور کامل فراهم شود.

امام خمینی (ره) در خصوص استقلال اقتصادی می‌فرماید: «امکان ندارد که استقلال به دست بیاید قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر مسامحه کنیم و وابسته به خارج باشیم، این وابستگی اقتصادی به خارج قهراً وابستگی سیاسی می‌آورد، قهراً وابستگی اجتماعی می‌آورد و ما همان اسیرها خواهیم بود که بودیم و به ما همان‌ها حکومت خواهند کرد که کردند». بنابراین کشور باید طوری به قدرت اقتصادی دست یابد که ضمن رهایی از مصرف‌گرایی به خودکفایی و توان رقابتی مطلوب در بخش‌های اقتصادی دارای مزیت و اساسی دست یابد تا این امر موجبات حصول به استقلال اقتصادی را فراهم آورد. استقلال اقتصادی از جمله اهداف اساسی نظام مالی اسلامی است که در دو بعد خرد و کلان نمود می‌یابد. منظور از بعد خرد تأمین کرامت انسانی، تنظیم عادلانه روابط کاری و پرهیز از هرگونه استعاری را عنوان نمود و در بعد کلان نیز به منزله ایجاد استقلال اقتصادی در حوزه تولید، توزیع و مصرف و در کنار آن استقلال فعالیت‌های خدماتی در کشور است. در تأمین مالی پروژه‌ها همواره باید این امر به عنوان یک اصل مدنظر قرار گیرد و جهت‌گیری فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری در کشور باید منعطف به سمت استقلال اقتصادی باشد.

۴-۴- گسترش آبادانی

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

انسان در اسلام علاوه بر اجرای مسئولیت‌های فردی و عبادی خود موظف به بهره‌گیری از استعدادهای فراوان و غیرقابل شمارش اعطایی خدای متعال در راستای رسالت‌های اجتماعی است. یکی از مهمترین این رسالت‌های اجتماعی مقوله گسترش آبادانی در زمین است و از این روست که خداوند در سوره هود آیه ۶۱ مردم را به آبادی زمین فرا می‌خواند.

حضرت امیر المؤمنین علی(ع) در غرر الحکم و درر الکلم می‌فرماید: «بدترین شهرها شهری است که در آن امنیت و سرسبزی وجود ندارد». سرسبزی یکی از جلوه‌های آباد کردن زمین است و امروزه می‌توان آبادانی را به گستره وسیعی از احداث صنایع و برقراری خدمات اطلاق کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آبادانی از جمله اهداف مهم اقتصادی در نظام‌های اسلامی به شمار رفته و به عنوان یک مسئولیت بسیار مهم برای حاکمان جوامع مسلمان تلقی می‌شود. سوق سرمایه‌گذاری به بخش‌های مولد و مورد نیاز کشور، توسعه خدمات آموزشی و بهداشتی در شهرهای مختلف و آمایش نیازهای استانی جهت پیشرفت و آبادانی از جمله مهمترین مواردی است که به منظور گسترش آبادانی فراگیر در کشور بایستی در نقشه راه پیشرفت مدنظر قرار گیرند.

۴-۵- رفاه عمومی

نهادهای اقتصاد سیاسی اسلام مجموعه‌ی هنجارها و سنت‌های اقتصادی تثبیت شده یا دستور العمل‌های مورد تأکید شریعت هستند که باید‌ها و نبایدهای نظام اقتصادی را ترسیم می‌کنند. در دیدگاه کلاسیک، مکتب تاریخی، نئوکلاسیک، کینز، سوسیالیست، نظریه‌ی اطلاعات و دولت رفاه؛ هدف اصلی همانا رفاه عمومی است (کارنیک، ۱۳۷۹). در این مکاتب تحقق رشد معنوی اصل نیست و تأکید اصلی بر تحقق رفاه مادی و توسعه است. اما در اسلام اقتصاد هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ی تحقق اهداف بالاتری است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی شمرده می‌شود و ابزارها و اهداف آن غیراخلاقی نیست و نمی‌تواند مانع تحقق رشد معنوی شود (رضایی، ۱۳۸۳).

تحقق رفاه در زندگی مقدمه‌ای برای عبادت خدا و دستیابی به رضوان الهی است. نبود رفاه عمومی و فقر موجب می‌شود که انسان فقیر به اغنیا حسد ورزد، عبودیتش خراب می‌شود و به قضا و قدر الهی اعتراض می‌کند. امام محمد باقر(ع) در دعایی می‌فرماید: «خدایا، تا زمانی که مرا زنده نگه می‌داری، رفاه و آسایش را در زندگی‌ام از تو می‌خواهم تا بدان

وسیله توان بر اطاعت تو یابم و بوسیله اطاعت تو به بهشت نایل آیم». زندگی مرفه از دیدگاه امامان معصوم، زندگی گواراست و زندگی گوارا دارای پنج عنصر سلامت و امنیت، وسعت روزی، روابط اجتماعی سالم و آرامش است که بدون تقوا و یاد خداوند متعال قابل حصول نیست (میرمعزی، ۱۳۸۸). پامبر اکرم (ص) در روایتی در مقام تأکید به هدف، تلاش برای تأمین رفاه عمومی را از وظایف مالی دولت‌های مسلمان برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی‌شائبه در جهت رفاه آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد» (فراهانی، ۱۳۸۱). بنابراین یکی از اهداف ابتدایی نظام مالی اسلامی همانا حصول به رفاه عمومی است و هدف دستیابی به رفاه عمومی بایستی در حوزه تجهیز و تخصیص منابع، سرمایه‌گذاری و پوشش ریسک همواره مدنظر قرار گیرد.

۴-۶- سعادت فردی-اجتماعی

هدف نهایی نظام اسلامی همانا سعادت فرد و جامعه مطابق با جهان‌بینی اسلامی است. در نظام مالی اسلامی سعادت فرد دارای مفهومی متفاوت از نظام مالی متعارف است. در نظام مالی متعارف، هدف اصلی دستیابی به بیشترین لذت است که این امر می‌تواند بوسیله بیشترین مصرف، بیشترین کسب سود و یا بیشترین خلق ثروت نمود یابد. در نظام مالی متعارف که مبتنی بر جهان‌بینی مادی‌گرایی و سرمایه‌داری است، اصالت لذت به عنوان محرکه بسیاری از فعالیت‌های مالی قلمداد می‌شود. این درحالی است که هدف مهم در نظام مالی اسلامی برآوردن نیازهای اقتصادی اشخاص به‌گونه‌ای است که آنان را به سمت سعادت حقیقی رهنمون سازد. بنابراین براساس تعالیم اسلامی، انسانی سعادت‌مند است که مجموع لذات دنیوی و اخروی خود را بیشینه کند. بطور واضح ایدئولوژی اسلامی انسان را به سمت لذت‌های برتر و پایدار رهنمون می‌کند و در صورتی که لذت‌هایی منجر به تضعیف یا نابودی لذت‌های برتر و پایدارتر شوند، اسلام دستور به ترک آنها می‌دهد. خداوند در قرآن کریم در سوری شوری، آیه ۳۶ بیان می‌دارند که آنچه نزد خداوند است (از انواع لذت و نعمتی که در هر دو جهان بدان دستور داده است)، بهتر و پایدارتر است.

جنبه مالی یکی از ابعاد زندگی به شمار می‌رود که نقش مؤثری در سعادت‌مندی مسلمانان دارد. استنباط قوانین اقتصاد اسلامی از بستر مکتب اقتصادی اسلام و کاربردی نمودن مدل‌های مالی مرتبط با آن، منجر به ایجاد زیربنا و روبرنای سعادت برای کشور می‌شود.

۵- شاخصه های نظام مالی اسلامی کارآمد در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نظام مالی اسلامی کارآمد به نظامی اطلاق می‌شود که در درجه اول اهداف نظام مالی اسلامی را به عنوان راهبردهای بنیادین و نقشه راه حاکم بر کلیه عملیات مالی در نظر می‌گیرد و در درجه دوم سازوکارهای اجرایی بهینه را جهت حصول به اهداف از پیش تعیین شده تنظیم و عملیاتی می‌کند.

بازسازی، تنظیم روابط و بهره‌گیری بهینه از تمامی ظرفیت‌های مالی داخل و خارج کشور در چارچوب قانون به منظور حصول به پیشرفت اقتصادی پایدار و تعالی انسانی، را می‌توان به عنوان مهمترین شاخصه‌های کارکردی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در بعد مالی برشمرد. در واقع این الگو باید دربردارنده تصویری جامع از یک نمونه ایده‌آل و البته دست‌یافتنی از اصول، هنجار، اهداف و کارکردهای اجرایی باشد که بتوان آن را در تمامی شئون مالی کشور لحاظ نمود. دستیابی به این الگو در کنار فراهم‌سازی بسترهای حمایتی لازم منتج به اجرایی شدن بخش عمده‌ای از اهداف اقتصادی اسلام در کشور می‌شود. از آنجایی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند بالادستی است پس باید برنامه‌های مالی دولت با آن هماهنگ باشند.

نظام مالی اسلامی در پی آن است تا سازوکاری را ایجاد نماید که گردش وجوه (انتقال مازاد وجوه به بخش کمبود آن) براساس موازین اسلامی صورت پذیرد. در اسلام سرمایه پولی به عنوان یک عامل مستقل در برابر تولید تلقی نمی‌شود و تراکنش مالی زمانی مورد تأیید است که مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد باشد. اقتصاددانان مسلمان عموماً سرمایه پولی را به عنوان ابزاری قابل تبدیل به دارایی‌های مولد تلقی می‌کنند. تلفیق انگیزه‌های معنوی با انگیزه‌های اقتصادی در نظام مالی اسلامی می‌تواند سرمایه‌گذاری را در بخش‌های واقعی اقتصاد افزایش دهد. در واقع نظام مالی اسلامی مشارکت در سود و زیان را ترویج می‌نماید، کارآفرینی را ارتقا می‌بخشد و موجب کارایی در تسهیم ثروت می‌شود که این امر موجب رسیدن به بهره‌وری مطلوب و سوق سرمایه‌ها به بخش‌های مولد می‌شود.

ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره رکن اصلی این نظام را تشکیل می‌دهد (میرزایی، ۱۳۸۰) و در عین حال چنین نظامی باید مشارکت در ریسک را تشویق

نموده، کارآفرینی را ارتقا بخشیده و با تأکید بر پابندی به معاملات، فرد را از هرگونه معامله بورس بازی غرری منع کرده است (صالح‌آبادی، ۱۳۸۵).

تأمین مالی با بهره ثابت در نظام مالی اسلام با محدودیت‌هایی مواجه است و سرمایه‌گذاران بدون تحمل ریسک نمی‌توانند در سود سهیم باشند. نظام مالی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن دربرداشتن اهداف و دستورات اسلام در زمینه امور مالی، رشد و پیشرفت اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

۵-۱- ابزارهای مالی اسلامی کارآمد

ابزارهای مالی اسلامی، اوراق و اسنادی هستند که توسط شرکت‌ها، مؤسسات مالی و دولت برای تأمین مالی صادر و در بازارهای مالی اسلامی مبادله می‌شوند. این ابزارها باید براساس اصول شرعی در حوزه عملیات اقتصادی طراحی شوند. اگرچه شایان ذکر است که برخی از ابزارها برگرفته از مالی متعارف هستند که یک سری اصلاحات روی آنها انجام شده است و برخی دیگر مبتنی بر نوآوری در حوزه مالی اسلامی هستند. ابزارهای مالی اسلامی نه تنها باید سود قابل قبولی را برای طرف‌های مختلف به همراه داشته باشند بلکه این عمل به گونه‌ای باید صورت گیرد که با قانون اسلام و هنجارهای نظام مالی اسلامی منطبق باشد. ابزارهای مالی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شوند که جاذب سرمایه‌های کلان و تجمیع‌کننده پس‌اندازهای خرد باشند. این ابزارها باید به طور مستقیم (تأمین مالی مستقیم از طریق بازار پول) و غیرمستقیم (تأمین مالی از طریق بازار سرمایه) موجب سوق سرمایه‌های جمع‌آوری شده به سمت چرخه تولید یا بخش واقعی اقتصاد شوند. گسترش تولید و رفع احتیاجات سرمایه‌ای مرتبط با آن می‌تواند افزایش اشتغال و درآمد اشخاص را در یک جامعه اسلامی به همراه داشته باشد و نتیجه این امر همانا رفاه عمومی خواهد بود که به عنوان یکی از اهداف نظام مالی اسلامی همواره بدان اشاره می‌شود.

۵-۲- بازارهای مالی اسلامی کارآمد

بازارهای مالی اسلامی، بازارهایی هستند که در آنها دارایی‌های مالی براساس اصول اسلامی مبادله می‌شوند. هدف بازارهای مالی اسلامی را می‌توان برقراری رابطه مشارکتی بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی، برقراری سیستم معاملات و تسویه منصفانه، توسعه ابزارهای مالی متناسب با موازین شرعی به جهت تسهیل سرمایه‌گذاری و مدیریت

مخاطرات کسب و کار و در نهایت کاهش فساد اقتصادی از طریق شفاف‌سازی مالی برشمرد.

بازارهای مالی اسلامی باید بسیج و تخصیص بهینه‌ی منابع را در اولویت اول کار خود قرار دهند. طبقه‌بندی مختلفی درخصوص بازارهای مالی وجود دارد. در یک طبقه‌بندی بازارهای مالی به بازارهای کوتاه مدت (بازار پول)، میان مدت (بازار پول و پوشش ریسک) و بلندمدت (بازار سرمایه و پوشش ریسک) طبقه‌بندی می‌شود. همچنین این بازارها را می‌توان به دو بخش بازارهای مبتنی بر دارایی و بازارهای مبتنی بر بدهی طبقه‌بندی کرد. بازارهای بدهی جزء لاینفک بخش مالی و مکمل بودجه‌ها به منظور تأمین نقدینگی است. با توجه به اینکه در مالی اسلامی بهره ممنوع است بنابراین مدل بازارهای بدهی سنتی نمی‌توانند پاسخگوی نیاز جامعه اسلامی باشد و به طور جدی نیاز است تا جایگزین‌هایی برای بازارهای بدهی سنتی مطابق با قوانین اسلامی بوجود آید.

بازارهای مالی اسلامی کارآمد باید تأمین کننده نقدینگی برای بخش‌های مختلف اقتصادی به طور اثربخش باشند و در این میان بتوانند از طریق پوشش‌های بیمه‌ای و ابزارهای متنوع، ریسک موجود در بازارها را به حداقل ممکن برسانند. این بازارها باید ضمن تفکیک کامل از منظر مقررات حاکم، دارای تعاملات و هماهنگی‌های سیستمی فراگیر در بستر تراکنش‌های مالی متنوع باشند. به روز رسانی قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌های اجرایی حاکم بر فعالیت این بازارها با توجه به سرعت شتابان تغییرات حوزه کسب و کار اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۵-۳- نهادهای مالی اسلامی کارآمد

نهادهای مالی اسلامی، مؤسساتی هستند که زمینه مبادله ابزارهای مالی اسلامی را در بازارهای مالی براساس اصول اسلامی فراهم می‌کنند. این نهادها باید از سازوکار اسلامی در نحوه تجهیز منابع و تخصیص منابع برخوردار باشند. بانک‌های اسلامی نباید از محل بدهی باسود ثابت تأمین مالی کنند و به هر میزان که از حیل ربا استفاده نمایند، درحقیقت از اعتبار اجتماعی خود کاسته‌اند. نهادهای مالی اسلامی پایه بانکی باید در ابزارهای مالی اسلامی سرمایه‌گذاری کنند، نرخ‌های سود غیرمنصفانه و جرایم سنگین بر تسهیلات خود وضع نکنند، از عبارات شرعی برای پوشش ناکارآمدی‌های خود استفاده نکنند، شبکه‌ای متشکل و منسجم از تبادل داده و اطلاعات را در داخل و ارتباط با خارج تشکیل دهند،

اقدامات مدیریتی لازم را به منظور مقابله و پوشش در قبال انواع ریسک‌های موجود اعم از مالی (اعتباری، بازاری و نقدینگی)، عملیاتی و تجاری را اجرایی نمایند، پشتوانه دولت در اجرای سیاست‌های توسعه‌ای باشند و در عین حال با تخصیص کارای منابع خود موجبات کاهش فقر و پیشرفت متوازن مبتنی بر مزیت رقابتی را در استان‌های مختلف کشور فراهم آورند.

نهادهای مالی اسلامی حوزه بازار سرمایه بایستی با فراهم آوردن بسترهای قانونی و فرهنگی موجبات افزایش مشارکت عمومی در تأمین مالی شرکت‌های بورسی، شفافیت در واگذاری‌ها، کاهش تورم بوسیله جلوگیری از سرازیر شدن منابع مالی به بخش‌های غیرمولد، کاهش ریسک سرمایه‌گذاران بوسیله سازوکارهای اجرایی محافظه‌کارانه و ابزارهای پوشش ریسک و افزایش سهم عمومی از اقتصاد کشور را فراهم آورند. حمایت از تأسیس صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری، مشاوره و سبذگردانی در بازار سرمایه موجب جذب افراد عادی به این بازار می‌شود اگرچه تخصص‌گرایی در حوزه اجرا همواره باید سرلوحه فعالیت‌های این بخش از اقتصاد باشد.

نهادهای مالی اسلامی حوزه پوشش ریسک (بیمه) در حقیقت پشتیبان و اطمینان‌دهنده به شاغلین حوزه مالی اسلامی از مخاطرات ممکن در این حوزه هستند. پدیده ریسک یکی از کلیدی‌ترین مشخصه‌های شکل‌گیری تصمیم در حوزه سرمایه‌گذاری، امور مربوط به بازارهای مالی و انواع فعالیت‌های اقتصادی است. شرکت‌های بیمه‌ای در قالب انواع قراردادهای پوشش ریسک نقش کلیدی در پیشرفت کشور دارند. توسعه دامنه‌ی پوشش مخاطرات و اشخاص تحت پوشش، یکپارچگی به منظور توانمندی در ایجاد بیمه‌های اتکایی و بین‌المللی و توسعه مناسبات تخصصی با سایر بخش‌های مالی از جمله مواردی است که بایستی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از بعد اقتصادی مدنظر قرار گیرد.

بطور کلی نهادهای مالی اسلامی بایستی فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت، امنیت و استقلال اقتصادی باشند و جامعه را در جهت حرکت به سمت آبادانی پشتیبانی نمایند. نحوه تعامل نهادهای مالی با اشخاص جامعه باید مبتنی بر الگوی رفتاری متعالی اسلامی باشد تا ضمن جذب حداکثری منابع در بخش‌های مولد از طریق تعاون عمومی، روحیه مسئولیت‌گرایی اسلامی- ایرانی را در میان هم‌میهنان ترویج نموده و

تحقق بخش اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی و مالی باشد.

۶- نتیجه‌گیری

طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید مبتنی بر مفاهیم اسلامی و مطابق با شرایط بومی کشور باشد. استواری این الگو مبتنی بر مبانی اسلامی، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، طراحی علمی، مشارکت صاحب‌نظران و بهره‌گیری از تجارب و عبرت‌ها است. طراحی و تدوین جایگاه نظام مالی اسلامی از منظر مبانی و فرآیندهای عملیاتی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به منزله فرموله‌سازی مسیر تعالی کشور در حوزه‌های مختلف مالی است. علم مالی اسلامی در حد متعالی خود می‌تواند مدل‌های اقتصاد اسلامی را در سه حوزه کارکردی ابزارها، بازارها و نهادهای مالی اسلامی به مرحله ظهور رساند و موجبات پیشرفت پایدار کشور را فراهم آورد. تبیین و پیاده‌سازی صحیح و دقیق نظام مالی اسلامی در کشور مستلزم بررسی اصول، هنجار، اهداف و شاخصه‌های نظام مالی اسلامی کارآمد به جهت الگوسازی است. سیرمحتوایی در محورهای بنیادین اقتصادی و مالی اسلامی، گشاینده افق‌های جدیدی پیش‌روی برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان در حوزه طراحی نقشه راه پیشرفت کشور است. تدوین نقش جایگاه نظام مالی اسلامی در الگو شامل سه بخش عمده محتوا، سازمان و برنامه است تا مفهوم چرایی، چیستی و چگونگی طراحی نقشه را مشخص کند. مهمترین و ابتدایی‌ترین گام این حوزه شناخت و تحلیل مفاهیم و محتوا است که در حیطه عملیاتی، کارکردهای نظام مالی را به ثمر می‌رساند. تسهیل سرمایه‌گذاری، مدیریت مخاطرات کسب و کار، کاهش فساد اقتصادی، افزایش رفاه عمومی، رشد و حمایت از تولید ملی از جمله دستاوردهای اجرای نظام مالی اسلامی کارآمد در کشور خواهد بود که الزامات اجرایی در حوزه ابزاری، بازاری و نهادی آن را باید در کشور بسترسازی نمود و کمبودهای احتمالی را از طریق مهندسی مالی اسلامی، ساختارسازی و کانالیزه کردن عملیات و بومی‌سازی الگوهای موجود برطرف نمود.

فهرست مراجع

- امام خمینی (ره). «صحیفه نور»، ج ۱۰، ص ۱۰۵.
تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۲)، «پنجاه درس در اقتصاد اسلامی»، تهران، فرهنگ مشرق زمین.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲). «تاریخ عقاید اقتصادی»، نشر نی.
- ختائی، محمود و خاوری‌نژاد، ابوالفضل (۱۳۷۷)، «گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی»، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.
- رضایی، مجید و فراهانی‌فرد، سعید و معصومی‌نیا، علی (۱۳۷۹). «نظام مالی دولت‌های مسلمان، در مجموعه مقالات نظام مالی اسلام»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رضایی، مجید. «جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد»، اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۳.
- رضی، ابوالحسن محمد (۱۳۸۸). «نهج البلاغه»، ترجمه مرحوم دشتی، نشر عروج اندیشه.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۸). «بازارهای مالی اسلامی - مجموعه مقالات»، نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- صالح‌آبادی، علی و آرام، محمد (۱۳۸۰). «اصول مدیریت مالی اسلامی و ابزارهای آن»، مرکز تحقیقات دانشگاهی امام صادق (ع).
- عظیمی، حسین. «دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.
- فراهانی، سعید (۱۳۸۱). «نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)»، نشر دانش و اندیشه معاصر.
- قحف، منذر (۱۳۸۱). «نقش اقتصادی دولت در اسلام»، محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، در مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش فراهانی‌فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کارنیک، اجیت (۱۳۷۹). «نظریه‌های دخالت دولت»، محمدزمان رستمی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۱۰ ق). «کتاب‌البیع»، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- موسویان، سید عباس (۱۳۹۰). «بازارهای مالی اسلامی (صکوک)»، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸). «نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی و اخلاق)»، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی، مهدی (۱۳۸۳). «تجربه بازارهای مالی اسلامی در مالزی»، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- وایسر، هانس (۱۳۹۰). «مدیریت مالی اسلامی (اصول و کارکردها)»، مترجمان صادقی شاهدانی، مهدی و محسنی، حسین، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷). «نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)»، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.